

نسبت اسلام با فرایندهای انسانی، در ذیل مشیت الهی (راهبردها و راهکارهایی برای خلق آثار هنری، معماری و شهرسازی)

مهندس عبدالحمید نقره کار : دانشیار دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه علم و صنعت ایران
noghrekar@iust.ac.ir
دکتر سلمان نقره کار : استادیار و عضو هیأت علمی دانشگاه کاشان
s.noghrekar@gmail.com

چکیده:

در جهت ارائه نقشه راهبردی تحقق تمدن نوین اسلامی، در حوزه‌های مختلف و ابعاد متنوع آن، باید از یک ساختار کلی و علمی، منطبق بر حقایق هستی از عالم و آدم بهره برداری نمود. در غیر این صورت اهداف انقلاب اسلامی که اهدافی انسانی، جهانی و تاریخ ساز است هرگز محقق نخواهد شد.

این رساله بر این باور است که مبتنی بر مکتب الهی اسلام، این ساختار کلی، مراحل آن، منابع و مبانی هر یک از آن مراحل به صورت عمیق و خطاناپذیر مطرح شده است. در عین حال این ساختار از بعد علمی، عقلانی و وحیانی نیز قابل تحقق و تبیین و اثبات می باشد. این ساختار کلی، که شامل حقایق عالم (عوامل وجود) و آدم (استعدادهای بالقوه و بالفعل، اراده، اختیار، آثار و سیر هبوطی و عروجی انسان) می باشد همه در ذیل (مشیت و قضا و قدر الهی) قابل تبیین و تحلیل است. روش تحقیق در این رساله مبتنی بر ساحات و مراتب عقل (استدلال منطقی) و مبتنی بر نقل (کلام الهی و سنت معصومین(س))، استنباطی، اکتشافی و تفسیری می باشد.

مهمترین دستاورد این تحقیق، تبیین ساختار کلی فرایندهای انسانی، مراحل و منابع اسلامی آن و بخصوص مبانی و اصول (راهبردی - مفهومی) و راهکارهای (کاربردی-عملی) در کلیه مراحل از منظر فرهنگ اسلامی است. در عین حال در هر مرحله مکاتب منحرف و ناقص معاصر غربی (نوگرایی و فرانوگرایی) مورد ارزیابی و نقد قرار می گیرند.

دستاوردهای این تحقیق در کلیه مباحث آموزشی، پژوهشی و اجرایی، بخصوص در رشته های میان دانشی نظیر گروه هنر و معماری و شهرسازی، قابل استناد و بهره برداری است.

این تحقیق مقدمه ای در جهت تبیین نقشه راه تمدن نوین اسلامی در کار گروه هنر، معماری و شهرسازی نیز می باشد. نتایج این تحقیق در تعداد ۹ نمودار و جدول جمع بندی شده است.

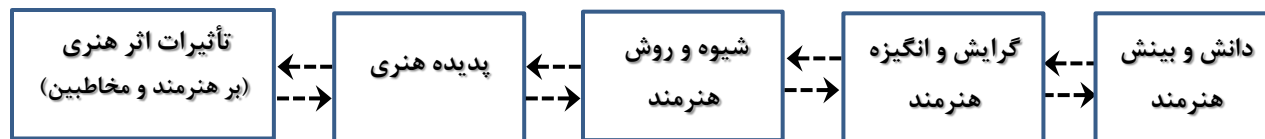
مقدمه:

در جهت تحقق معماری و شهرسازی، متناسب با فرهنگ اسلامی و مجموع شرایط کشور ایران و طراحی نقشه راه تمدن نوین اسلامی، لازم است ابتدا ساختار و مراحل این فرآیند را ارائه و منابع و مبانی آنرا تبیین نمود، سپس راهبردها و راهکارهای آنرا مبتنی بر فرهنگ اسلامی بررسی و تشریح کرد. در این مقاله نگارنده تلاش می نماید مراحل این ساختار را بر اساس محتوا و مبانی آن از یکدیگر تفکیک نماید، تا از مغالطه های معمول و پیش فرض های مغلوط موجود جلوگیری نماید. بدیهی است، پیش فرض های این مکتوب، بر پایه مکتب اسلام و منابع و مبانی آن می باشد. در محتوا و روش این تحقیق علاوه بر منابع و مبانی اسلامی، بطور خاص از نظریات حکیم فرزانه آیت الله جوادی آملی در حوزه « علم دینی » بر حسب مورد بهره برداری شده است. از آنجا که فرآیندهای انسانی بطور عام و از جمله خلق آثار هنری و معماری و

شهرسازی دارای مباحث مشترک در فلسفه هنر می باشند، این مقاله به مشترکات این حوزه نیز می پردازد. و در مقالات بعدی به ارائه راهبردها و راه کارهای عملی و تخصصی در تحقق معماری و شهرسازی با هویت اسلامی – ایرانی خواهیم پرداخت.

ساختار وساحات خلق آثار هنری، معماری و شهرسازی و به طور کلی هر نوع فرآیند انسانی (گفتار، رفتار و آثار) را مبتنی بر جایگاه طولی هریک، می توان به پنج مرحله کلی و اجمالی طبقه بندی نمود (نمودار شماره- ۱)

نمودار شماره - ۱ - ساختار و مراحل پنجگانه در خلق فرایندهای انسانی



در فرایند خلق آثار هنری و معماری و شهرسازی پنج مرحله اصلی در ساختار آن دخالت دارند. این مراحل و نوع ارتباط هر یک از آنها در همه فرایندهای انسانی جبراً و خودآگاه یا ناخودآگاه همواره مطرح هستند. آنچه دستاوردهای انسانی را، از یکدیگر متمایز می نماید، محتوای این فرایند است و آنچه معیار ارزیابی محتوای فرایندهای انسانی است، مبتنی می تواند باشد که با (حکمت نظری) خود، عالم و آدم و روابط آنها را تبیین نموده و با (حکمت عملی) خود ارزشها و ضد ارزشها را تشریح و معیارهای (زیبایی و زشتی) و (فلسفه هنر) را ارائه نموده باشد. از منظر اسلامی مکاتب بشری نمی توانند انسان و غایت او را، جامع و مانع و خطاناپذیر تشریح نمایند و مکاتب الهی غیر از اسلام نیز، دچار تحریف و نقص شده اند. از منظر تشیع، تنها مکتب اسلام مبتنی بر (کلام الهی و سنت معصومین(س)) خطاناپذیر و جامع و مانع است و می تواند (مکتب مبنا) برای ارزیابی و نقد دقیق و عمیق فرایندهای انسانی باشد. ما در این مقاله به تبیین هر مرحله، از بعد منابع و مبانی آن و رابطه هر مرحله با مراحل دیگر و جهت گیری های مثبت یا منفی (عروجی یا هیبوطی) آن، از منظر اسلامی خواهیم پرداخت. تلاش خواهیم کرد حتی المقدور، مباحث را به صورت بررسی تطبیقی ارائه نماییم. مطالب این مقاله علاوه بر تجزیه و تحلیل فرایندهای انسانی، می تواند در فرایند آموزش و محتوای آموزشی برای رشته ها و گرایش های میان دانشی، نیز راه گشا باشد.

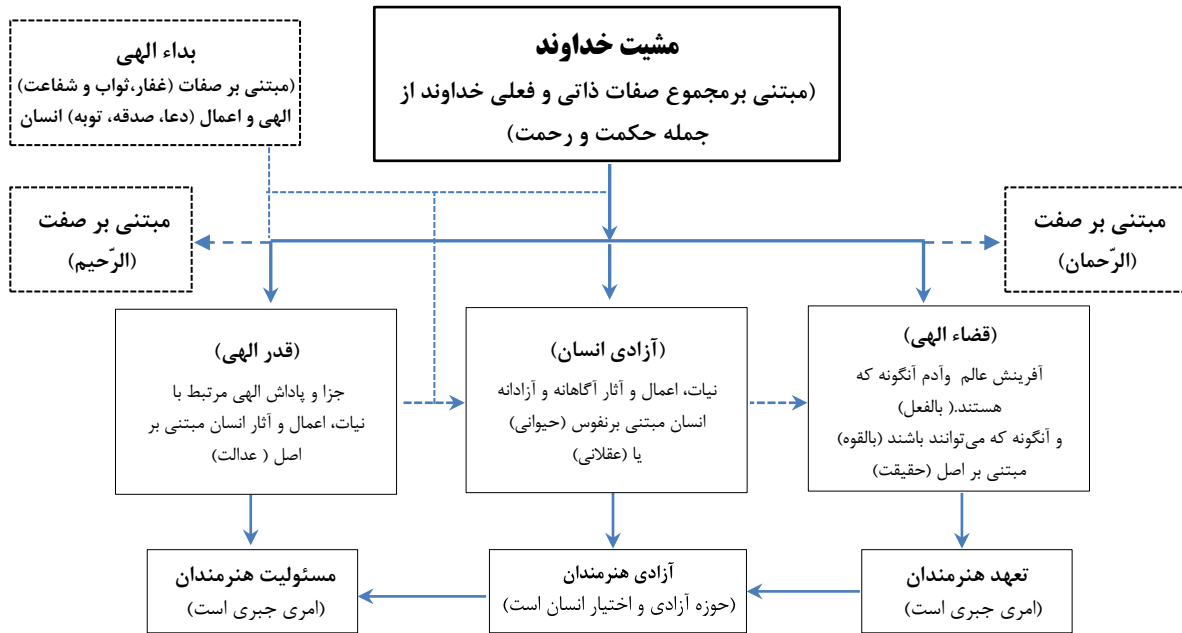
جمع بندی شماره ۱:

- ۱) فرایندهای انسانی جبراً دارای مراحل پنج گانه می باشند.
- ۲) آزادی انسان، مبتنی بر محتوای این فرایند است.
- ۳) ارزیابی فرایندهای انسانی مبتنی بر ارزشهایی است که در مکتب اعتقادی فاعل اثر مطرح شده است.
- ۴) از منظر اسلامی، مکاتب بشری خطا پذیر و ناقص هستند، مکاتب الهی نیز دچار تحریفاتی شده اند و تنها مکتب اسلام است که مبتنی بر (کلام الهی و سنت معصومین(س)) خطاناپذیر و جامع و مانع باقی مانده است.

نکته بسیار مهم:

آیا فرایندهای انسانی در یک نظام تصادفی، بدون جهت، هدف و غایتی خاص تحقق می یابند و یا فرایندهای انسانی در ذیل نظامی حکیمانه و عادلانه و با جهت و غایتی خاص تدبیر شده اند؟

از منظر اسلامی، جهان هستی و فرایندهای انسانی در ذیل (مشیت الهی) و (قضا و قدر الهی) سامان یافته اند. این نظام در (نمودار شماره ۲) ارائه شده است.



چنانچه در نمودار شماره ۲- ملاحظه می‌فرمایید، نظام هستی مبتنی بر صفات ذاتی و فعلی خداوند، بهترین نظام ممکن (نظام احسن) بوده و براساس صفت حکمت یعنی (تشخیص و داوری بین، حق و باطل، خیر و شر و زیبایی و زشتی) و صفت رحمت یعنی (جهت‌گیری تکاملی برای انسان‌ها) طراحی و خلق شده است.

هستی عالم و آدم، مبتنی بر رحمت عام الهی، یعنی صفت (الرحمان) به صورت بالقوه و بالفعل تحقق یافته است. در این نظام، انسان موجودی است مرکب، دارای دو نفس (حیوانی) و (عقلانی). انسان تنها موجودی است که می‌تواند آزادانه یا از نفس حیوانی (حسی - غریزی) خود و یا از نفس عقلانی (معنوی و روحانی) خود اطاعت کند و فرایندهایی را خلق و ایجاد نماید. نظام هستی در مقابل فرایندهای انسانی بی‌تفاوت، خنثی و منفعل نیست، بلکه کوچکترین نیت، اعمال و آثار انسان‌ها را در نظر دارد. فرایندهای عالمانه، عاقلانه و معنوی آن‌ها را، مبتنی بر صفت (الرحیم) خود پاداش تکاملی می‌بخشد و فرایندهای غیر حکیمانه و ظالمانه آن‌ها را بر اساس صفت عدل خود، جزاء عادلانه می‌دهد.

در این نظام احسن، با حفظ آزادی انسان‌ها، جهت‌گیری و غایت‌نهایی، تکاملی و مثبت طراحی و خلق شده است. در این نظام (آزادی انسان) بین دو جبر یعنی (قضا و قدر الهی) تبیین می‌شود.^۱ (ابن شهر آشوب، متشابه القرآن و مختلفه، ۱۳۶۴، ج ۱ ص ۱۹۳) در این نظام انسان (متعهد) است، خود و عالم را آنگونه که هست و می‌تواند باشد، دقیقاً و عیناً بشناسد، سپس آزاد است در جهت مثبت یا منفی عمل نماید و در نهایت (مسئول) نیت، اعمال و آثار خود می‌باشد.

جمع بندی شماره ۲:

- ۱) فرایندهای انسانی در ذیل نظام کل هستی و مشیت حکیمانه و رحمانی الهی، قابل تبیین و تشریح است.
- ۲) مشیت الهی از طریق (قضا و قدر) و صفات (رحمان و رحیم) خود، جهت‌گیری تکاملی هستی را تضمین نموده است.

۱- امام صادق در پاسخ فردی که از جبر یا آزادی انسان سؤال نمود، فرمودند: «لا جبر و لا تفویض بل أمر بین الأمرین». نه جبر است و نه اختیار، بلکه امری است دو امر دیگر. (متشابه القرآن، جلد یک، صفحه ۱۹۳)

- ۳) آزادی انسان و فرایندهای او بین دو جبر (قضا و قدر الهی) محاط می‌باشند.
- ۴) انسان‌ها قبل از عمل (متعهد) شناخت عالم و آدم و بعد از عمل (مسئول) نیت، اعمال و آثار خود هستند.

نسبت اسلام با مرحله اول در فرایندهای انسانی:

آیا اسلام به عنوان یک مکتب و دین الهی، در مورد مباحث میان دانشی، نظیر خلق آثار هنری، معماری و شهرسازی، مطالبی را به صورت مستقیم یا غیر مستقیم مطرح نموده است یا خیر؟

خداوند در قرآن حکیم می‌فرماید: «و بیاد آور روزی را که در هر امتی گواهی از خودشان بر ایشان بر انگیزیم و تو را بر آن‌ها گواه آوریم و این کتاب (قرآن) را که روشنگر هر چیزی است (تبیان لکل شیء) و برای مسلمانان، هدایت و رحمت و بشارتگر است، بر تو نازل کردیم»^۲ (قرآن، النحل، ۸۹)

چنانچه از آیه فوق ملاحظه میشود، خداوند کتاب قرآن را تبیین کننده هر چیزی معرفی می‌نماید، نه تنها در بُعد نظر و شناخت، بلکه مسلمانان یعنی عمل کنندگان به احکام عملی آنرا، به هدایت و رحمت، بشارت میدهد و در کنار قرآن وجود پیامبر اکرم(ص) (سنت نبوی) را، گواه و شاهد برای سایر انبیاء و پیامبران و متقابلاً، آنها را گواه و شاهد برای امتهای خودشان معرفی می‌نماید. یعنی:

- ۱- قرآن واجد دو بُعد بنیانی حکمت نظری یا (جهان بینی) و حکمت عملی یا (ایدئولوژی) و ارزش های اخلاقی میباشد.
- ۲- پیامبر اکرم(ص) به عنوان (مفسر معصوم) قرآن و نحوه عمل او به عنوان الگو و شاهد برای سایر انبیا و آنها شاهد و حجت بر امت های خود می باشند.

پیامبر اکرم (ص) نیز در آخرین وصیت، برای بعد از خود، به دو میراث عظیم و جاودانی و غیر قابل تفکیک برای رستگاری همه انسان ها توصیه و تأکید می نمایند یعنی کتاب خدا و عترت معصوم خود^۳ (محدث نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۳۷۲) و دوازدهمین امام معصوم (س) نیز در زمان غیبت، به (ولایت فقیه) در کنار قرآن توصیه نموده اند.^۴ (شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه: ج ۲۷، ص ۱۳۱)

اگر در آیه فوق، وجه هستی شناسی و جهان بینی قرآن، بیشتر برجسته شده است، در آیات بعدی به رعایت احکام عملی و ارزش های اخلاقی (حکمت عملی) به صورت مکرر، توصیه و تأکید شده است، نظیر امر به (عدالت) یعنی قرار دادن هر چیزی در جای مناسب و شایسته خودش، (احسان) یعنی حقوق دیگران را برحق خود مقدم و برتر داشتن، (ادای حق خویشان) مقدم داشتن کار ذوالحقوق بر دیگران، (نهی از کارهای ناپسند و طغیان) یعنی انجام ندادن کارهای بیهوده و ضد ارزشی، (وفاداری به عهد) انجام دقیق تعهدات کمی و کیفی در قراردادهای و غیره.^۵ (قرآن، النحل، ۹۰ و ۹۱).

۲- «وَيَوْمَ نَبْعَثُ فِي كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيدًا عَلَيْهِمْ مِنْ أَنْفُسِهِمْ وَجِئْنَا بِكَ شَهِيدًا عَلَى هَؤُلَاءِ وَتَرَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تَبْيَانًا لِكُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً وَبُشْرَى لِلْمُسْلِمِينَ.» و [به یاد آور] روزی را که در هر امتی گواهی از خودشان برایشان برانگیزیم و تو را [هم] بر این [امت] گواه آوریم و این کتاب را که روشنگر هر چیزی است و برای مسلمانان رهنمود و رحمت و بشارتگری است بر تو نازل کردیم» (سوره: النحل، آیه: ۸۹)

۳- قال رسول الله ص: إني تارك فيكم الثقلين كتاب الله وعترتي أهل بيته إن تمسكتم بهما لن تضلوا أبداً معاشر الناس إني منذرٌ و عليّ هادي و العاقبة للمتقين و الحمد لله رب العالمين. (مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۳۷۲) همانا من در میان شما دو گوهر گرانبها باقی گذاشته و شما را ترک میکنم یکی کتاب خدا و دیگر اهل بیت و عترتم را و اگر به آن دو توجه داشته و از آنها الگو بگیرید هرگز گمراه نمی شوید. ای گروه مردم همانا من بیم

دهنده هستم و علی هدایتگر شماست و عاقبت رستگاری برای پرهیزگاران خواهد بود و ستایش برای خداوند، پروردگار جهانیان است.

۴- «مَنْ كَانَ مِنَ الْفُقَهَاءِ صَائِنًا لِنَفْسِهِ حَافِظًا لِديِنِهِ مُخَالِفًا عَلَى هَوَاهُ مُطِيعًا لِأَمْرِ مَوْلَاهُ فَلِلْعَوَامِ أَنْ يُقْلَدُوهُ وَ ذَلِكَ لَا يَكُونُ إِلَّا بَعْضُ فَقَهَاءِ الشَّيْخَةِ لَا كُلَّهُمْ.» [از میان فقهاء هر کس خویشتن دار و نگهبان دینش باشد و با هوای خود مخالفت نماید و فرمان مولایش اطاعت کند عموم مردم باید از او تقلید کنند، این دسته بعضی از فقهای شیعه هستند نه همه آنان.] (وسائل الشیعه: ج ۲۷، ص ۱۳۱)

۵- «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ.» در حقیقت خدا به دادگری و نیکوکاری و بخشش به خویشاوندان فرمان می‌دهد و از کار زشت و ناپسند و ستم باز می‌دارد به شما اندرز می‌دهد باشد که پسند گیرید. (سوره: نحل، آیه: ۹۰). وَأَوْفُوا بِعَهْدِ اللَّهِ إِذَا عَاهَدْتُمْ وَلَا تَنْقُضُوا الْأَيْمَانَ بَعْدَ تَوْكِيدِهَا وَقَدْ جَعَلْتُمُ اللَّهَ عَلَيْكُمْ كَفِيلًا إِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا تَفْعَلُونَ. و چون با خدا پیمان بستید به پیمان خود وفا کنید و سوگندهای [خود را] پس از استوار کردن آنها مشکند با اینکه خدا را بر خود ضامن [و گواه] قرار داده‌اید زیرا خدا آنچه را انجام می‌دهید می‌داند. (سوره: نحل، آیه: ۹۱)

حضرت علی (ع) نیز در بخشی از کتاب ارزشمند نهج البلاغه در جامعیت قرآن می فرمایند:
 کتاب پروردگار شما در میان شماسست، حلال و حرام آن آشکار، واجبات و مستحبات، ناسخ و منسوخ، مباح و ممنوع، خاص و عام، پندها و مثل ها، مطلق و محدود ها و محکمت و متشابهات آن، همه معلوم است.^۶ (نهج البلاغه، خطبه ۱)
 حضرت آیت الله جوادی آملی، مفسر و اسلام شناس برجسته معاصر نیز در بیانات خود می فرمایند:
 « دین (مکتب اسلام) نسبت به هیچ یک از علوم کلی یا جزئی بی نظر و یا بی تفاوت نیست، بلکه نسبت به همه آنها، کلیات و اصولی را که منشأ تفریع یعنی (اجتهاد) فروع دیگر هستند، القاء می نماید.^۷ (بحارالأنوار ج ۲، ۲۴۵)
 ایشان در تشریح و اثبات نظریه خود در رابطه علم و دین می فرمایند، دین شامل تمام علوم میشود و علم غیر دینی وجود ندارد و در تحقق آن به سه مرحله اشاره می نمایند:

۱) قرار دادن منبع (عقل) در مجموعه معرفت دینی (یعنی در کنار منبع نقل و سنت معصومین (س))
 ۲) تنفیذ و امضای قرارداد های عقلانی در شرع (یعنی پذیرفتن بنای عقلاء به عنوان علم ظنی و خطا پذیر، که تا نقض نشود اعتبار علمی دارد.

۳) تبیین کلیات بسیاری از علوم با دلیل نقلی^۸ (عبد الحسین خسرو پناه، اسراء، سال سوم - شماره دوم - ص ۳۱). (یعنی اصول فرا زمانی و فرا مکانی آن توسط نقل است و در عمل با توجه به مجموع شرایط زمانی و مکانی احتیاج به تفریع یعنی اجتهاد دارد.)
 حضرت امام صادق (ع) در این مورد می فرمایند: « بیان و القاء اصول توسط ما است » (کلام الهی و کلام معصومین (س)) و شما باید با توجه به مجموع شرایط زمانی و مکانی خود اجتهاد نمائید.^۹ (عبد الحسین خسرو پناه، اسراء، سال سوم - شماره دوم - ص ۷) و در این ارتباط آیت الله جوادی آملی، نظریات خود را با دو روش تحقیق (تفسیری) و (استدلال منطقی) به اثبات می رسانند.^{۱۰} (عبد الحسین خسرو پناه، اسراء، سال سوم - شماره دوم - ص ۳۱)
 در نمودار (شماره ۴-۳) نسبت مکتب اسلام را با هر یک از مراحل فرایندهای انسانی از بعد موضوعات، منابع و مبانی (اصول و قواعد حاکم) مطرح می نما

۶- كِتَاب رَّبِّكُمْ فَيَكُمُ مَبِينًا حَلَالَهُ وَحَرَامَهُ، وَفَرَائِضَهُ وَفَضَائِلَهُ، وَنَاسِخَهُ وَمَنْسُوخَهُ، وَرُخَصَتُهُ وَعَزَائِمُهُ، وَخَاصَتُهُ وَعَامَّتُهُ، وَعَبِيرَتُهُ وَأَمْثَالُهُ، وَمُرْسَلَتُهُ وَمَخْدُودَتُهُ، وَمُحْكَمَتُهُ وَمُتَشَابِهَتُهُ. (نهج البلاغه، خطبه ۱)

۷- امام صادق فرمودند: عَلَيْنَا إِلقاءُ الْأَصُولِ إِلَيْكُمْ وَعَلَيْكُمْ التَّفَرُّعُ. «بر ماست ارائه اصول (راهبردهای نظری و عملی) و بر شماسست اجتهاد فروع (خلق آثار مادی و صوری و غیره...)» (بحارالأنوار ج ۲، ۲۴۵)

۸- فصلنامه اسراء، سال سوم - شماره دوم - صفحه ۳۱ (عبد الحسین خسرو پناه).

۹- همان ۷.

۱۰- فصلنامه اسراء - سال سوم - شماره دوم - صفحه اول مقاله آقای دکتر عبدالحسین خسرو پناه درباره نظریات آیت الله جوادی آملی.

(از بعد موضوعات، منابع و مبانی مربوطه)



چنانچه در (نمودار شماره ۴-) ملاحظه می شود. مکتب اسلام با هستی شناسی جامع و مانع و خطا ناپذیر خود با ارائه راهبرد های مفهومی، نسبت به مرحله اول از ساختار و مراحل خلق آثار هنری و مجموع دستاورد های انسانی، (نمودار شماره ۱) بی تفاوت نیست، بلکه می تواند، ادراکات و معرفت های هنرمندان را ارزیابی و نقد نماید و حقیقی یا توهمی و ناقص بودن، دریافت ها و دانش و بینش آنها را تشخیص دهد و تکمیل و اصلاح نماید.

اسلام به صورت مستقیم در مورد موضوعاتی نظیر (معبود شناسی، هستی شناسی، انسان شناسی، معرفت شناسی، جامعه شناسی، فلسفه تاریخ، رابطه انسان با محیط طبیعی و مصنوعی و غیره) در حکمت نظری خود به صورت کامل مطالبی معصومانه، جامع و مانع و خطاناپذیر ارائه نموده است. این مطالب در دو عنوان (کتاب الهی و سنت معصومین(س)) ما را قادر می سازد ضمن ارتقاء معرفت های خود، معرفت های دیگران را که منشأ و سر چشمه ایده ها، رفتار و آثار آنها است، مورد ارزیابی و نقد قرار دهیم و با عبرت از آنها، ایده ها، رفتار و آثار خود را نیز ارتقاء بخشیم.

نسبت اسلام با مرحله دوم از فرایندهای انسانی:

مکتب اسلام با ارائه احکام پنجگانه خود (حلال، مستحب، مباح، مکروه و حرام) و مجموع بایدها نبایدها و ارزش های اخلاقی و تعداد بی شماری از احکام عملی حلال و حرام به صورت کلی و مشترک برای کلیه فرایندهای انسانی و به صورت خاص برای هر یک از تخصص ها، نظیر معماری و شهرسازی ارائه نموده است. این احکام در بعد مثبت آن همان یکصد صفت حسنی است که برای صفات ذاتی و فعلی خداوند در قرآن مطرح شده است (نظیر علیم، حکیم، مفید، قوی، بدیع و غیره) و انسان به عنوان جانشین خداوند در زمین باید واجد همین صفات در نظریات و اعمال خود باشد و در بعد منفی احکامی نظیر حرام بودن عمل بدون علم، هر نوع کار پوچ و غیر مفید (کارهای لغوی، لعبی و لهوئی)، انجام کار برای شهرت طلبی، اعجاب انگیزی و فخر فروشی، ایجاد هرنوع ضرر و زیان به غیر و ایجاد مزاحمت های همچواری، پیروی از هوای نفس، دنیا پرستی، ظاهر سازی و بت سازی (فورمالیسم)، کم کاری و کم فروشی، تغلب و کلاه برداری، اسراف و تبذیر و بسیاری از بایدها و نبایدهایی که هنوز برای تخصص های خاص، جمع آوری و طبقه بندی دقیق نشده است. از این احکام با نام (فقه حکومتی) یاد می کنیم، به عنوان مقدمه ای برای (اجتهاد حرفه ای). بنابر این مکتب اسلام، نسبت به مرحله دوم از نمودار فوق نیز، بی تفاوت نیست و می تواند رویکرد های عملی و جهت گیری ها و ایده آلهای هنرمندان را مورد نقد و ارزیابی قرار دهد. احکام عملی و باید و نبایدهای اخلاقی ارائه شده در مکتب اسلام، مجموعه ای بی نظیر از اصولی ثابت را برای سیر و سلوک عملی و تکاملی همه انسانها، مطرح نموده است و با ذکر مصادیقی از اعمال، رفتار و آثار معصومین (س) در شرایط بسیار متکثر و متنوع، روشهای عملی و اجتهادی آنها را تشریح نموده است.^{۱۱} (الکافی: ج ۱، ص: ۵۸)

نسبت اسلام با مرحله سوم از فرایندهای انسانی:

نکته بسیار مهم مسئله اتخاذ روشها و شیوه های عملی و مناسب درجهت، تحقق ایده ها و ایده آل های فرا زمانی و فرا مکانی هنرمندان، در عالم طبیعت و جلوه های مادی و صوری آن است. زیرا عالم طبیعت بر خلاف مفاهیم که کلی و بسیط می باشند، دارای شرایطی نسبی، متکثر، متغیر و اعتباری، یعنی وابسته به مجموع شرایط زمانی و مکانی می باشند.

مکتب اسلام با پذیرش و توصیه به اجتهاد و تبیین اصول دهگانه آن در مکتب تشیع،^{۱۲} (شهید مطهری، ۱۳۷۸، جلد ۲۰، ص: ۱۶۱) همه انسان ها و هنرمندان را قادر می سازد تا ایده آل ها و مفاهیم ذهنی خود را، با مجموع شرایط زمانی و مکانی وفق داده و به صورت آیه ای و نسبی در عالم طبیعت تجلی دهند. از این بعد می توان گفت مکتب اسلام، با حفظ جهت، غایات و سیر تکاملی انسان، برای مجموع شرایط متنوع، متکثر، متغیر، اعتباری و نسبی زمانی و مکانی، راه حل ارائه نموده است، حتی برای شرایط موقتی و اضطراری نیز به صورت محدود و موقتی، کنار گذاشتن احکام ثابت را پیشبینی نموده است. مانند حکم اضطراری خوردن گوشت مردار، در شرایطی که جان انسان در خطر باشد، به مقدار حداقل لازم تا رفع شرایط اضطراری. (نمودار شماره ۵-)

۱۱- فَقَالَ حَلَّالٌ مُحَمَّدٌ حَلَّالٌ أَبَدًا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَ حَرَامُهُ حَرَامٌ أَبَدًا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَا يَكُونُ غَيْرُهُ وَ لَا يَجِيءُ غَيْرُهُ. (الکافی: ج ۱، ص: ۵۸).

۱۲- منبع اصول دهگانه اجتهاد از کتابهای شهید مطهری ارائه فرمایند.

نمودار شماره ۵ - اصول ده گانه اجتهاد در مکتب تشیع

(در جهت اجتهاد حرفه ای مبتنی بر مفاهیم ثابت نظری و احکام اولیه برای اتخاذ روشهای مناسب مبتنی بر مجموع شرایط زمانی و مکانی در خلق آثار بدیع و اصیل)

۱- قاعده ملازمه عقل و شرع	ابزار اجتهاد، عقل است و احکام عقلی همان احکام شرعی است. و رعایت دستاوردهای آن‌ها الزامی است.
۲- قاعده بقای اصول	اصول نظری و عملی بیان شده توسط سنت نبوی برخاسته از فطرت، و بی زمان هستند.
۳- قاعده تفریح	فروع و جزئیات (روش‌ها و خلق آثار)، در پرتو (اصول ثابت)، با (تفریح عقلی) قابل استنتاج و اجتهاد تخصصی و حرفه‌ای هستند.
۴- قاعده نسبیّت	فروع (روش‌ها و آثار) براساس مقتضیات زمان و مکان، کاملاً نسبی هستند.
۵- قاعده جامعیت و وسطیت (عدالت)	فروع باید همه جوانب و ساحات مختلف انسانی (و مجموع شرایط زمانی و مکانی) را در نظر بگیرند، زیرا اجزاء و عناصر آن متکثر و تأثیر پذیرند.
۶- قاعده اولویت و مصلحت	فروع باید با توجه کامل به اولویت‌ها و مصلحت‌ها شکل بگیرند. (در شرایطی که حقوق عناصر مختلف متضاد می‌باشند).
۷- قاعده هماهنگی با قوانین حاکمه	فروع نباید معارض با قوانین حاکمه و اصولی که حق و تو دارند باشند. (نظیر اصل لاضرر و لاضرار در اسلام). هر نوع ضرر و زیان به غیر حرام تلقی می‌شود.
۸- قاعده احکام خمسّه تکلیفیه	فروع باید در اجراء، بر اساس احکام خمسّه، تعیین اولویت و ضرورت کنند. (حلال، مستحب، مباح، مکروه و حرام)
۹- قاعده حوزه‌های آزاد	فروع نباید حوزه‌هایی را که خداوند انسان‌ها را آزاد گذاشته محدود کنند. (احکام مباح)
۱۰- قاعده احکام ثانویه و اضطراری (احکام حکومتی)	فروع (روش‌ها و آثار) و حتی اصول اولیه می‌توانند با نظر و اختیار ولی فقیه به طور موقت تغییر نمایند. (با توجه به مجموع شرایط اضطراری و مصلحتی)

تبیین و تشریح اصول ده‌گانه فوق و ظرفیت‌های آن در کمک به معماران و شهرسازان در جهت اتخاذ روش‌ها و شیوه‌های عملی در فرصت این مقاله نیست و مقالات مستقل و متعددی می‌طلبند. اما بطور اجمال می‌توان گفت در اصل (ملازمه عقل و شرع) تمام دستاوردهای علمی جهان از جمله علوم تجربی و مهندسی نظیر (استاندارد‌ها در معماری) و (سرانه‌های فضاهای شهری) در شهرسازی و غیره تا نقض نگردیده است باید مورد بهره‌برداری متخصصین قرار گیرد و رعایت آنها را شرعاً لازم می‌داند.

در اصل (بقاء اصول) به خطا ناپذیر بودن و جامع و مانع بودن هستی‌شناسی اسلامی و راهبردهای مفهومی آن اشاره دارد و فرا زمانی و فرا مکانی بودن باید‌ها و نباید‌ها و احکام عملی اسلامی و رعایت ارزش‌های اخلاقی آن را تأکید و توصیه می‌نماید. یعنی هم‌آهنگی عالم تشریح با عالم تکوین.

در اصل (تفریح) راه حل اجتهاد پویا و تخصصی برای تجلی ایده‌ها و ایده‌آل‌های مفهومی راه، در مجموع شرایط زمانی و مکانی که متکثر، متنوع و متغیر هستند ارائه می‌نماید و نقش انسان آگاه، مختار و خلاق را در این فرآیند به صورت برجسته و شاخص نمایان می‌کند. مبتنی بر این اصل هنرمند می‌تواند با حفظ اصول ثابت، ایده‌های خود را به صورت خلاقانه در عالم طبیعت متجلی سازد.

اصل (نسبیت) به ما یادآوری می‌نماید، که آنچه در عالم طبیعت حادث می‌شود، بر خلاف مباحث هستی‌شناسی (جهان بینی‌ها) و احکام عملی (ایدئولوژی‌ها) که دارای اصولی کلی و ثابت هستند آثاری، دارای ماده و صورتی طبیعی هستند بنابراین با توجه به مجموع شرایط زمانی و مکانی می‌توانند به صورت نسبی و اعتباری در این عالم و در مواد و صورت‌های متنوع عالم طبیعت تجلی یابند.

در اصل (جامعیت و وسطیت) به ما متذکرمی‌شود، که عالم طبیعت بسیار متنوع و متکثر بوده و همه اجزاء و عناصر آن در تحت تأثیر یکدیگرند و برای انجام عملی و ایجاد اثری باید، همه عوامل و عناصر مثبت و منفی تأثیر گذار را به صورت جامع شناخت و حدّ متعادل و مناسبی را برای پایداری آن پیش بینی نمود.

حضرت امام صادق (ع) در پاسخ فردی که از اصل حاکم بر خلقت جهان هستی، از ایشان سؤال نمود، از قول پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: "این جهان بر اساس عدالت (قرار گرفتن هر چیزی در جای مناسب خود) برقرار و پایدار شده است"^{۱۳}. (عوالی اللاکئی، ج ۴، ص ۱۰۳).^{۱۴} (فیض الاسلام، نهج‌البلاغه، ۱۳۷۵، ح ۳۰) در اصل (اولویت) از آنجا که ایجاد هر اثری در طبیعت تحت تأثیر و تأثر مجموعه‌ای از عناصر طبیعی و انسانی قرار می‌گیرد و گاهی این عناصر دارای حقوقی متضاد و متعارض می‌باشند در شرایط فوق باید آنچه را که در اولویت قرار دارند، حاکم نمود فرضاً در مباحث همجواری در معماری، رعایت حقوق همسایه‌ها در اولویت است. یا حقوق پیاده بر سواره در الویت است.

حضرت فاطمه (س) در پاسخ فرزندشان که سؤال می‌نماید، چرا همیشه اول برای همسایگان دعا می‌فرمایید؟ می‌گویند: (اول همسایه، سپس خانه)^{۱۵} (محدث نوری، مستدرک الوسائل، ۱۴۰۸، ج ۵، ص ۲۴۴). و یا در شهر سازی در تعارض حقوق پیاده با سواره، در اسلام به رعایت حال ضعیف و (پیاده) در مقابل قوی (ماشین) تأکید و توصیه می‌نمایند.

بنابراین در رعایت حقوق‌های متکثری که بر عمل و آثار انسان مترتب می‌شود، باید اولویت‌ها و جهت‌ها و غایتها و ایده‌آلهای معنوی و تکاملی را اولویت بخشید. در اصل (احکام پنجگانه تکلیفی) خداوند مجموع باید و نبایدهای عملی انسانها را که متضمن سیر متعالی آنها می‌باشد، در پنج حکم طبقه بندی نموده است. این طبقه بندی، انسانها را قادر می‌سازد، مجموع اعمال و آثار خود را هماهنگ با قوانین حاکم بر هستی تنظیم و از افراط و تفریط نابجا و ناشایست پرهیز نمایند و در شرایط مختلف رویکرد لازم و شایسته‌ای داشته باشند.

در اصل (حوزه‌های آزاد) همان گونه که در احکام پنجگانه، برای انسان کارها و خواسته‌هایی آزاد (مباح) دانسته شده است، بنابراین در این موارد نباید آزادی انسان‌ها، به خصوص در حوزه مسائل فردی و خانوادگی خدشه دار شود، ضمناً موارد مستحب و مکروه نیز، نباید مورد اجبار قرار گیرند.

در اصل (احکام ثانویه و حکومتی)، حکومت اسلامی (ولایت فقیه) می‌تواند در شرایط خاص و ضروری، احکام اولیه را که در آن شرایط خاص به مصلحت جامعه نیست تغییر داده و حکمی را بطور موقت و از روی مصلحت ابلاغ نماید. بطور مثال زمینی را که برای مسجد وقف شده و صیغه آن جاری شده، نمی‌توان به کاربری دیگری تبدیل نمود. ولی می‌توان با حکم حاکم شرع (ولایت فقیه)، زمین دیگری را برای مسجد در نظر گرفت و زمین مسجد را مثلاً برای اجرای بزرگراهی که مصلحت عمومی بوده و اجرای آن اجتناب ناپذیر است، قرار داد.

در اصل (احکام اضطراری)، ممکن است در شرایطی غیر عادی و اضطراری، نتوان احکام اولیه را اعمال نمود و در صورت اعمال آن حق بزرگتری ضایع شود، در این صورت می‌توان از احکام اضطراری، که احکامی موقتی و فقط در شرایط اضطرار و در حد ضروری و محدود می‌باشند بهره برداری نمود. نظیر خوردن گوشت مردار، برای کسی که در صورت نخوردن آن گوشت در خطر مرگ باشد. چون جان انسان عزیزترین عنصر هستی است، بنابراین برای حفظ آن، حکم اولیه برای مدت محدود به حکم اضطراری تبدیل می‌شود.

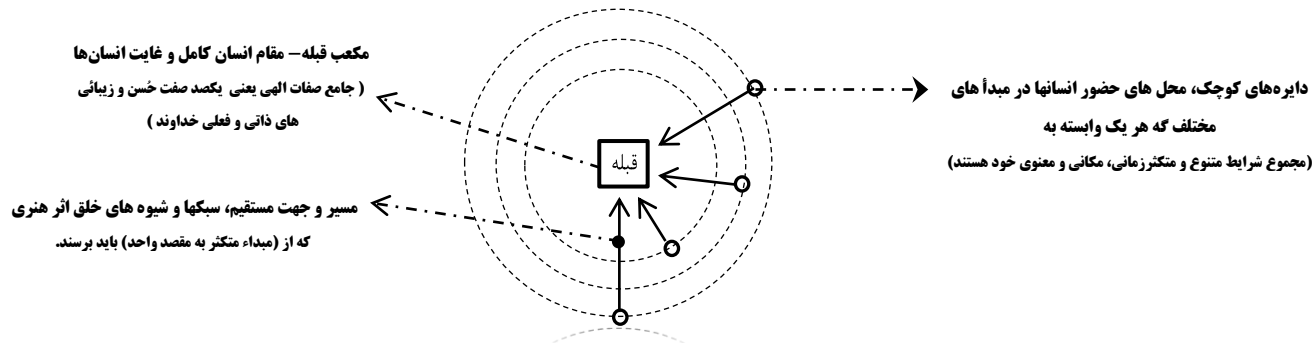
چنانچه ملاحظه می‌شود، به کمک اصول دهگانه اجتهاد، انسان‌ها می‌توانند ضمن حفظ اصول ثابت و فرا زمانی و فرا مکانی خود، چه در بُعد نظری و چه در بُعد عملی، اعمال و آثار خود را با مجموع شرایط زمانی و مکانی وفق دهند و هیچگاه دچار بن بست و تردید و یأس نخواهند شد و نیز هرگز به صورت یک امر متعارف نیازی به ساختار شکنی اصول نظری و یا احکام عملی نخواهند داشت و همواره می‌توانند در هر شرایط پیچیده و نامتعین، راه را از چاه تشخیص داده و به صورت نسبی پاسخ گوی نیازهای مادی و معنوی انسان‌ها در اعمال و آثار خود باشند. و (ایده آلیسم را با رئالیسم) و (حقیقت را با واقعیت) در کارهای خود رعایت نمایند. عدم توجه به این اصول هنرمندان را یا در ایده آلیسم نظری و مفهومی غرق می‌کند و یا به دلیل رعایت مقتضیات زمان و خلاقیت و نوآوری، ارزش‌ها و اصالت‌ها را در آثار خود نابود و به اصطلاح (ساختار شکنی) می‌نماید. در نمودار (شماره ۶-۶) راه حل رعایت مقتضیات متکثر زمانی و مکانی را در سبک‌های هنری و معماری با توجه به جهت و غایت مشترک و تکاملی انسان‌ها (هنرمندان و مخاطبین) با مثالی تصویری ارائه می‌نماییم.

۱۳- پیامبر صلی الله علیه و آله: «بِالْعَدْلِ قَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَ الْأَرْضُ». آسمان‌ها و زمین، با عدالت، پا برجا می‌مانند. (عوالی اللاکئی، ج ۴، ص ۱۰۳).

۱۴- حضرت علی (ع): «العدل وضع کل شیء موضعه». یعنی عدالت، آن است که هر چیزی در جای خودش قرار گیرد. (فیض الاسلام، سیدعلینقی، ترجمه و شرح نهج‌البلاغه، تهران، انتشارات فیض الاسلام، ۱۳۷۵، حکمت ۳۰، ص ۱۱۰۰).

۱۵- حضرت فاطمه (س): «الْجَارُ ثُمَّ الدَّارُ». اول همسایه، سپس خانه. (مستدرک الوسائل ج: ۵، ص: ۲۴۴).

نمودار (شماره ۶-) شیوه ها و سبک های هنری که مبادی متکثر هنرمند و مخاطبین را به مفاهیم ثابت، مشترک و تکاملی می رساند (مسیر از کثرت به وحدت).



با پیش فرض انسان شناسی اسلامی، در نمودار فوق، خانه کعبه که قبله مسلمین جهان است و محل پذیرش توبه حضرت آدم (ع) و محل تولد انسان کامل (حضرت علی (ع) بوده است، به مفهوم مقام قرب الهی، یعنی کسب یکصد صفت حسن الهی (صفات ذاتی در نظر و معرفت شناسی و صفات فعلی روش های عملی و اتخاذ سبک هنری) توسط هنرمند و تجلی آنها در اثر هنری می باشد و همه مسلمانان جهان، در هر نقطه زمانی و مکانی که هستند، باید به سمت آن مقام و صفات تقرب جویند و در نمازهای خود به سوی آن سجده نمایند. یعنی به عنوان جانشین خداوند در زمین، باید همان معرفت ها و مفاهیم را کسب نموده و در شیوه عملی خود، نظیر صفات فعلی خداوند عمل نمایند. جامع ترین و مانع ترین توصیفی که از گرایشهای ذاتی انسان به سوی زیبایی مطلق و معبود یکتا شده است، در قرآن مجید با ارائه یکصد صفت حسن یعنی (عدد کامل) از صفات ذاتی و صفات فعلی خداوند است.

در هیچ مکتب زیبایی شناسی، اعم از فلسفی یا دینی، خداوند متعال یعنی (مفهوم زیبایی مطلق) با این تعداد از صفات مفهومی که مبنای مجموع راهبردها (صفات ذاتی) و راه کارهای عملی (صفات فعلی) است، معرفی و تبیین نشده است. بنابر این مقام قبله، یعنی نهایت ایده آله و آرمانهای خود آگاه و ناخود آگاه، همه انسانها برای ادراک همه زیباییها و خلق عالیترین آثار شایسته به عنوان جانشین خداوند در زمین، آنچنان که احسن الخالقین در هنر و معماری آفرینش، خلق نموده است. بر روی کره زمین، هر انسانی در مجموع شرایط خاص زمانی و مکانی مختص خود قرار دارد و هیچ دو انسانی چه از نظر کمی (محیط داوایر) و چه از نظر کیفی (محیط دایره ها ی نزدیک تر به قبله) در یک نقطه و شرایط یکسان نیستند. از این واقعیت می توان چنین برداشت کرد که هر یک از انسان ها و هنرمندان در مجموع شرایط زمانی و مکانی متکثر خود قرار دارند. که با سایر انسانها یگانه نیست، بنابراین، مبدأ تصمیم گیری و رویکرد هنرمندان و معماران با توجه به شرایط محیطی آنها و مخاطبانشان متکثر و متنوع و متغیر می باشد.

از هر یک از این نقاط متکثر بر روی کره زمین، اگر به خواهند همه صفات زیبایی را در ایده و اثر خود متجلی سازند، باید خط مستقیمی را به سوی قبله انتخاب و در آن جهت حرکت نمایند، تا در جهت ایده آل و غایت تکاملی خود قرار گیرند. روش ها و سبک های هنری مانند این خط و جهت است، که مبدأ آن متکثر و مقصد آن یگانه است و از آن در فلسفه هنر دوران اسلامی، تعبیر می کنیم به (مسیر از کثرت به وحدت) یا (از ظاهر به باطن) یا (از صورت به معنا)، که مهمترین رویکرد، در هنر دوران اسلامی است. چنانچه در نمودار فوق هم ملاحظه می شود، از هر نقطه حضور انسان، میلیاردها خط و جهت عبور میکند ولی تنها یک خط به صورت مستقیم به قبله میرسد، اما در عین حال با توجه به شرایط میتوان با خطوط غیر مستقیم (با حفظ جهت) نیز به مقصد نزدیک شد. بنابراین سبکها و شیوه های هنری از بُعد مادی و کالبدی وابسته به مجموع واقعیت ها و شرایط زمانی و مکانی هنرمند و مخاطبین او هستند و از بُعد معنوی و محتوایی باید دارای جهت و غایت مشترکی، که همان نیاز فطری و باطنی همه انسانها است، آثار خود را خلق نمایند.

شعار بنیادی اسلام (انالله و انالیه راجعون)^{۱۶} (قرآن ، البقره؛ ۱۵۶) یعنی همه از اوئیم و بسوی او باز می گردیم، به همین مفهوم توحیدی، عملی و سیر و سلوکی اشاره می نماید.

شرایط متکثر زمانی و مکانی نظیر، امکانات اقتصادی و امکانات اجرائی و غیره، نظیر مسافری است، که با توجه به شرایط و امکانات خود و مسائل سفر و مسیر آنرا برای رسیدن به هدف واحد انتخاب می نماید.

بنابراین می توان گفت هنرمندان و معماران می توانند با حفظ ایده آلهای و ارزشهای ثابت نظری و عملی، با توجه به مجموع شرایط خود و مخاطبین، راه ها و سبکهای متنوعی داشته باشند، اما نه هر راهی و هر سبکی، زیرا فقط یک جهت و یک رویکرد کلی، آنها را به مقصد قبله یعنی (زیبائی جامع و کامل) می رساند.

به نظر می رسد، آنجا که قرآن مجید به راه راست (صراط مستقیم) اشاره می نماید، همین یک جهت از بُعد مقصد آن می باشد و آنجا که به (سُبُل) راه ها اشاره می نماید، منظور به مبداهای متکثر و شرایط زمانی و مکانی متفاوت انسانها است.

نسبت اسلام با مرحله چهارم از فرایندهای انسانی:

هنرمندان و معماران می توانند ایده آلهای و انگیزه های خود را که منبعث از مراحل یک و دو می باشد، از طریق یک شیوه و سبک هنری با رویکرد سیر از کثرت به وحدت، یعنی از طریق مرحله سوم اجتهاد تخصصی نموده و ایده خود را به صورت کالبد متشکل از ماده و صورت در عالم طبیعت و یا با کلام، در ادبیات، متجلی و پدیدار سازند.

در موضوع رابطه ایده باپدیده، یا معنا با صورت، دیدگاه های بسیار متفاوت و متضادی وجود دارد، که در یک جمع بندی آنرا در سه رویکرد خلاصه می نمائیم. (نمودار شماره ۷-)

۱۶ - إِنَّا لِلّٰهِ وَ إِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ. «ما از آن خدا هستیم، و به سوی او باز می گردیم.» (سوره: بقره؛ آیه: ۱۵۶)

سبکهای متأثر	محتوای رویکرد	رویکردها
سنت گرایان تاریخی - توصیفی (نگاه باستانشناسی و مرمتی به آثار تاریخی)	محتوا و ایده های هنرمندان فقط در یک نماد و یک نوع کالبد میتوانند تجسد و تعیین داشته باشند. بنابراین برای حفظ مفاهیم و ارزشهای ثابت و پایدار باید الگوها و نمادهای سنتی و تاریخی را تقلید و تکرار نمود.	۱- رویکرد تجسد گرائی (تجسد معنا در کالبد)
ساختار شکنان نظری، روشی و کالبدی. (معتقدین به تفسیر و تأویل مخاطب محور، یا گفتمانی و مشارکتی)	مفاهیم و ایده های هنرمندان، هیچ رابطه ای با آثار هنری آنها ندارند، اثر و متن هنری خنثی است و هنرمندان فقط ذهنیات شخصی خود را بازگویی نموده اند و مخاطبین هم ذهنیات خود را بازخوانی می نمایند... بنابر این با توجه به خنثی بودن اثر هنری، و بی معنا و مفهوم بودن آن هیچگونه رابطه و تعامل فکری و فرهنگی بین هنرمند و مخاطبین نمی تواند برقرار شود.	۲- رویکرد خنثی بودن اثر هنری (مرگ مؤلف و هرمنوتیک معاصر)
سنت گرایان الهی، اصول گرایان اسلامی، معتقدین به تجلی نسبی مفاهیم در مواد و صورت های متنوع. معتقدین به اجتهاد مبتنی بر تجلی اصول ثابت (نظری و عملی) در آثار مبتنی بر مجموع شرایط محیطی متکثرو متنوع، از طریق اصول ده گانه اجتهاد. معتقدین به تفسیر و تأویل متن محور (مثال آن، آفرینش انسان با فطرت ثابت و کالدهای متکثر است)	مفاهیم و ایده های هنرمندان، به صورت نسبی میتوانند در بی نهایت کالبد های جدیدو متنوع تجلی نمایند. بنابراین هنرمندان و معماران می توانند با حفظ مفاهیم ثابت و حقیقی نظری و احکام فرازمانی و فرامکانی عملی، با اجتهادی هنرمندانه، مبتنی بر مجموع شرایط زمانی و مکانی میلیاردها کالبد متنوع، مناسب و شایسته خلق نمایند. بدین لحاظ رابط بین هنرمندان و مخاطبین از طریق اثر هنری واجد مؤثرترین تأثیرات فکری و فرهنگی مثبت یا منفی خواهد بود	۳- رویکرد تجلی معنا در صورت (آیه ای و نمادین)

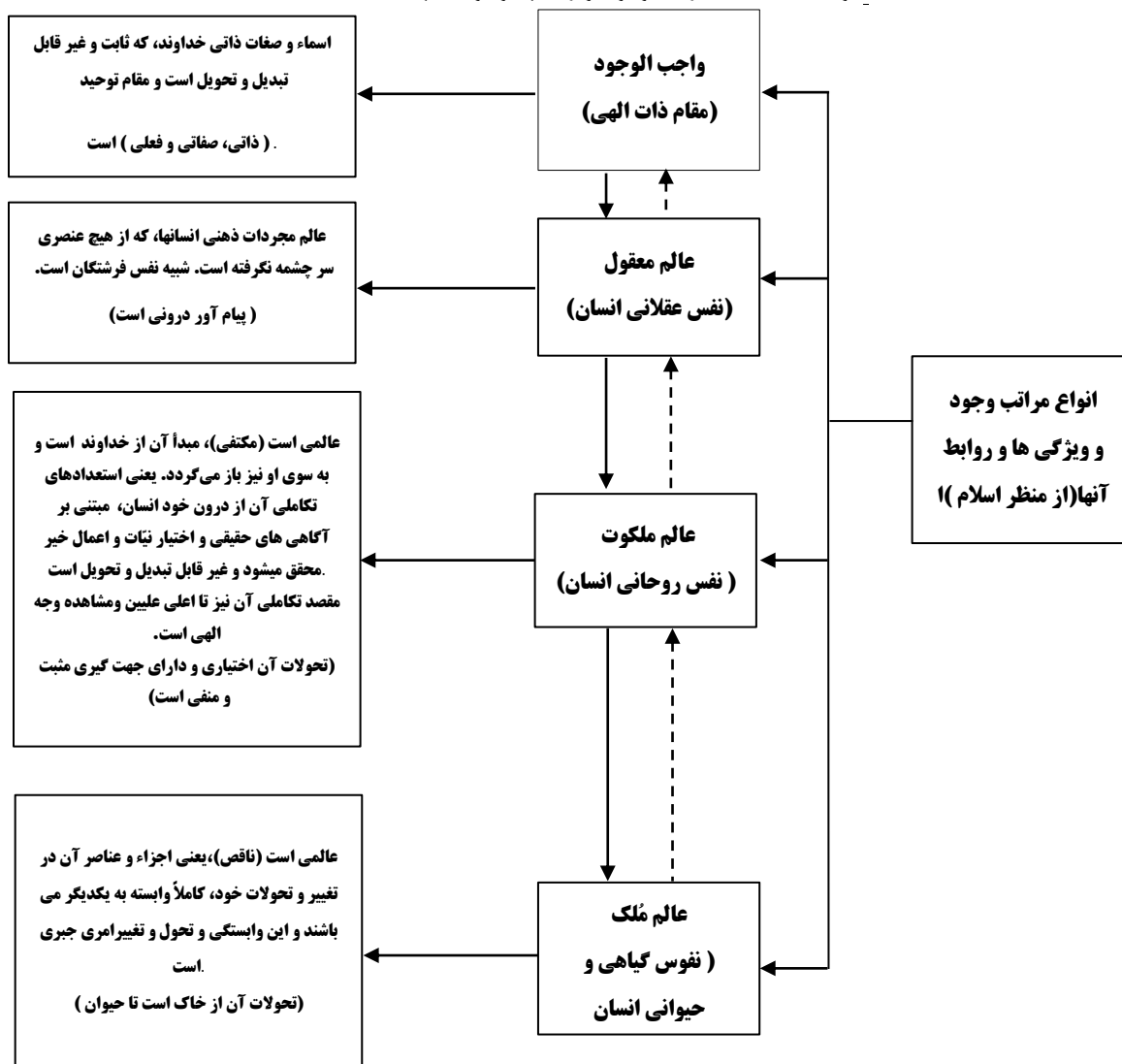
چنانچه در نمودار شماره ۶- ملاحظه می نمائید، رویکردهای (تجسد گرائی) و (خنثی بودن اثر) نسبتی با فرهنگ اسلامی و فلسفه هنر آن ندارند و از بُعد نظری و از بُعد عملی و تجربه موفق تاریخی در تمدن اصیل دوران اسلامی، هر دو رویکرد نفی میشود. برای مثال چنانچه در ادبیات عرفانی ما ملاحظه می شود، شاعران و عارفان برجسته، ضمن حفظ مبانی فرهنگی - اعتقادی و ارزشهای اسلامی، آثار آنها سرشار از خلاقیت سبکی و بدایع مضمونی است.

آنچنانکه مضمون بسیاری از آثار نظم و نثر را ترجمه ای از آیات و روایات معصومین (س) می دانند، با بیانی بدیع و خلاقانه، آثاراصیل معماری در دوران اسلامی نیز، ضمن حفظ اصول و جهت ها و غایت های انسانی و فرهنگی، به نظر بسیاری از کارشناسان جهان از بعد سبکی و خلاقیت بی بدیل و کم نظیر است.

نکته اساسی در طرح رابطه معنا با صورت، به مسئله روابط عوالم وجود با یکدیگر مربوط می شود چنانکه می دانیم، از منظر حکمای اسلامی، این عوالم به چهار مرتبه خلاصه می شود.^{۱۷} (شهید مطهری - مجموعه آثار، ج ۵، ص ۱۵۸). (نمودار شماره ۸-).

^{۱۷} - شهید مطهری - مجموعه آثار - جلد ۵ - صفحه ۱۵۸.

نمودار شماره ۸- مراتب وجود، ویژه گیها و روابط آنها



در مورد روابط عوالم وجود، از فرازی درخطبه اول نهج البلاغه بهره برداری می‌نمائیم، که حضرت می‌فرمایند « خداوند درون پدیده‌ها است و با آنها یکی نیست و بیرون آنها است و از آنها جدا نیست »^{۱۸} (نهج‌البلاغه: خ ۱، ص ۷۸). همین رابطه را می‌توان متشابه رابطه عالم معقول (مجردات ذهنی و مفهومی یا عالم معنا) با عالم ملکوت (نفس روحانی انسان) و عالم مُلک (عالم ماده و صورتهای مُلکی) دانست، یعنی مفاهیم وایده های هنرمندان و معماران در پدیده های هنری و معماری آنها وجود دارد، اما با آنها یکی نیست، زیرا عوالم بالاتر، از هستی غنی تر و بسیط تری برخوردارند و در عالم پائین تر (تجسد) پیدا نمی کنند ولی به صورت آیه ای و نمادین (تجلی) پیدا می نماید. بدون اعتقاد به رابطه فوق، مفهوم یگانگی هستی یا (توحید اسلامی) نیز، قابل تصوّر و تصدیق نیست. و مفهوم (کثرت در وحدت) و (وحدت در کثرت) از این رابطه نتیجه می شود و مفهوم (سیر از صورت به معنا) و مفهوم (سیر از کثرت به وحدت) و بالعکس در فلسفه هنر اسلامی، که در ساختار و مراحل خلق آثار هنری و معماری و شهرسازی به آن اشاره شد از این رابطه سرچشمه می گیرد. تفاوت در فرایندهای الهی با فرایندهای انسانی را با این مفهوم تعبیر می‌نمائیم که خداوند در مراتب وجود (نازل و متجلی) می‌شود، چون غیر از او نیستی مطلق

۱۸- مَعَ كُلِّ شَيْءٍ لَا بِمَقَارَنَةٍ، وَغَيْرُ كُلِّ شَيْءٍ لَا بِمُرَائِلَةٍ. (نهج‌البلاغه: خطبه ۱، ص ۷۸).

است، اما در مورد فرایند های انسانی فقط از مفهوم (تجلی) بهره‌برداری می‌نماییم، به معنای آنکه، هنرمند ایده خود را در مواد و صورت های موجود با تصرف در آنها تجلی می بخشد.

انحرافات عظیم در فرهنگ و فلسفه هنر غربی، از دوران نوگرایی (مدرنیسم و پوزیتیویسم) با هستی شناسی تک ساحتی آن و محدود نمودن عوالم وجود به عالم مُلک و با انسان شناسی ناقص و محدود نمودن تعریف انسان به نفس حیوانی، آغاز گردید. جریان های فرانوگرایی (پست مدرنیسم) نیز همان محدودیت های بنیانی را در معرفت شناسی و انسان شناسی پیگیری نمود و طرح مباحث روان شناسی آن نیز، عملاً به شناخت غرائز نفس حیوانی انسان منجر شد و از فطرت الهی و روح ملکوتی انسان، که حقیقت وجودی و عنصر تعالی جوی اوست، غافل ماند.

جریان های ساختار شکن (نظری، عملی و کالبدی) معاصر نیز، نتایج اجتناب ناپذیر همان دیدگاه های انحرافی یعنی غفلت از مراتب و عوالم وجود و غفلت از نفوس چهارگانه انسان و روابط آنها است این نفوس در حدیثی منقول از حضرت علی(ع) در پاسخ جناب کمیل، به زیبایی و کامل تشریح شده است.^{۱۹} (حسن زاده آملی، هزار و یک نکته، ج ۲ و ۳، ص: ۸۲۴، ۸۲۵) (نمودار شماره ۸)

نمودار شماره ۸- مراتب چهارگانه نفس انسان، قوا و خواص هر کدام (بر اساس حدیث امام علی (ع))

نفس انسان	سرچشمه نفس	قوای پنج گانه نفوس انسان				خواص دوگانه نفوس انسان
نفس نامی نباتی	کبد	جذب کننده	هضم کننده	دفع کننده	پرورش دهنده	کم و زیاد شدن، رشد (تحریک در مقابل اتفاقات محیطی) (انسان منفعل)
نفس حسی حیوانی	قلب	شنیدن	دیدن	بوییدن	چشیدن	خشنودی و ناراحتی نفس بهیمی (تحریک در مقابل اتفاقات محیطی) (انسان منفعل)
مرز (انسانیت) انسان با (حیوانیت) او و مرز (آزادی و اختیار) انسان با (جبر حاکم) بر حیوانیت او						
نفس ناطقه قدسی	از چیزی سرچشمه نگرفته (شبیبه نفس فرشتگان است)	فکر (تدبیر)	ذکر (یادآوری)	علم (دانایی)	حلم (بردباری)	حکمت و نزاهت (داوری و تشخیص بین حق و باطل، خیر و شر و زیبا و زشت و گرایش به حقیقت و خیر و زیبایی) (انسان فعال)
نفس کلی الهی	مبدأ آن از خداوند است و به او نیز باز می گردد.	بقا در فنا	تنعم در سختی	عزت در ذلت	غنا در فقر	رضایت و تسلیم (رضایت از هستی خود و جهان و تسلیم در برابر قوانین هستی) (انسان فعال)

۱۹- کتاب «هزار و یک نکته» حسن زاده آملی، جلد ۱ و ۲، ص: ۸۲۴، ۸۲۵.

از آنجا که نمودار فوق، نسبتاً کامل است و تشریح آن نیاز به بحث کافی دارد، در این مقاله به طرح آن بسنده نموده و علاقمندان را به منابع مربوطه ارجاع می‌دهیم.^{۲۰} (عبدالحمید نقره کار. تعامل ادراکی انسان، ص ۴۴)

در مرحله پنجم از ساختار خلق آثار هنری، تأثیر آثار است بر خود هنرمند و مخاطبین آثار. در فرهنگ اسلامی در رابطه با آنچه اتفاق افتاده، تجربه شده و آثار گذشته است، مفهوم عمیق (عبرت) را مطرح می‌نماید. یعنی پند گرفتن از تجربیات گذشته، به نحوی که از نکات مثبت آن بهره‌مند گردیم و از نکات منفی آن مانند پل عبور کنیم و مجدداً دوچار آن نشویم. بهمین مضمون حدیثی اشاره می‌نماید که « مؤمن دو بار از یک سوراخ گزیده نمی‌شود»^{۲۱}. (بحار الأنوار: ج ۱۹، ص: ۳۴۵)

بنابراین هنرمندان و معماران باید نسبت به نتایج آثار خود بر روی مخاطبان و محیط زیست حساس بوده و احساس مسئولیت نمایند. جریان‌هایی که به اصطلاح (متن اثر هنر را خنثی) و (مرگ مؤلف) را اعلام می‌نمایند، کاملاً از این حقیقت غافلند، که افکار و رفتار و آثار انسانها، نهایتاً شخصیت و سرنوشت آنها را رقم می‌زند^{۲۲} و در صورتیکه از آنها عبرت گرفته شود، راه تکاملی و سیر متعالی انسان گشوده می‌گردد و این شیوه تنه‌راه سیر و سلوک تکاملی انسان چه از بُعد علوم تجربی و چه از بُعد روحی و معنوی است. نکته مهم و قابل توجه، تفکیک تأثیر آثار بر روی مخاطبین از بُعد مادی نسبت به بُعد معنوی آنها است. زیرا، ابعاد مادی آثار، جبراً بر محیط و بر مخاطبین تأثیر گذار هستند. بعنوان مثال، ساختمانی که استانداردهای لازم عملکردی و مهندسی را رعایت نکرده باشد، قطعاً و جبراً برای بهره‌وران ایجاد مشکل می‌نماید.

اما در بُعد معنوی و روحی، هنرمندان و معماران، تنها می‌توانند، زمینه و بستر لازم را ایجاد نمایند، زیرا تکامل معنوی و روحی در حوزه (آزادی) انسانها است و امری (آگاهانه و اختیاری) است. مخاطبین در مقابل هر اثر هنری، اگر آگاهی و انگیزه لازم رانداشته باشند، بهره‌برداری معنوی و تکاملی نخواهند داشت. به همین دلیل خداوند در قرآن، انسانهای غافل را همچون حیوانات، بلکه پست‌تر از حیوانات معرفی می‌نماید^{۲۳}، (قرآن، الاعراف، ۱۷۹) زیرا همچون حیوانات در ساحت (حس و غریزه) سیر می‌نمایند و به نفس عقلانی و روحانی خود کفر ورزیده، از آن غافلند.

در حدیثی از پیامبر اکرم (ص) نیز نقل شده است که « مؤمن در مسجد مانند ماهی است در آب و منافق در مسجد مانند پرنده ای است در قفس»^{۲۴}. (عجلونی، کشف الخفاء، ج ۲، ص ۲۹۵) ملاحظه می‌شود، در یک مکان ثابت، بسته به نوع مخاطب، دو نوع رویداد و دو نوع قرائت از محیط، ایجاد می‌شود. مؤمن یعنی کسی که، در ساحت عقلانیت و عبادت سیر می‌کند، مسجد را که فضائی درونگرا، سکون آفرین و تفکر بر انگیز است، مناسب‌ترین فضا برای حضور قلب و خودآگاهی روحی خود تشخیص می‌دهد (یعنی ماهی درون آب است)، اما منافق، یعنی کسیکه در ساحت نفس حیوانی (حسی - غریزی) سیر می‌کند ولی در ظاهر برای عبادت به مسجد می‌آید، از آنجا که در فضای معنوی مسجد، زمینه‌ای برای سیر در آفاق و بهره‌برداریهای غریزی ندارد، بنابراین مانند (پرنده ای است که در قفسی گرفتار شده است) و تلاش می‌کند هر چه زودتر از مسجد خارج شود.

۲۰- کتاب تعامل ادراکی انسان با ایده‌های فضایی - هندسی در معماری، عبدالحمید نقره کار. ص ۴۴

۲۱- پیامبر اکرم (ص): الْمُؤْمِنُ لَا يُلْدَعُ مِنْ جُحْرِ مَرَّتَيْنِ. (بحار الأنوار: ج ۱۹، ص: ۳۴۵)

۲۲- از معصومین سلام الله عليهم است که فرمودند: افکارت، گفتار تو را، گفتارت رفتار تو را، رفتارت عادت‌های تو، عادت‌ها شخصیت تو و شخصیت تو سرنوشت ترا می‌سازد.

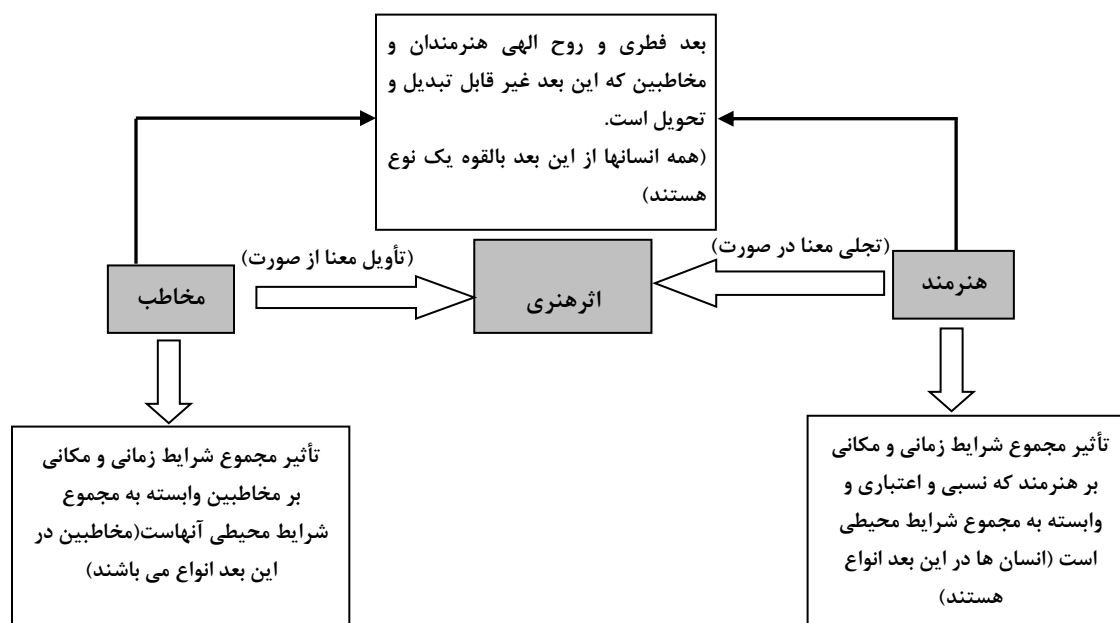
۲۳- أَوْلَيْكَ كَالْإِنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أَوْلَيْكَ هُمُ الْغَافِلُونَ. و در حقیقت، بسیاری از جنیان و آدمیان را برای دوزخ آفریده‌ایم. [چرا که] دل‌هایی دارند که با آن [حقایق را] دریافت نمی‌کنند، و چشمانی دارند که با آنها نمی‌بینند، و گوش‌هایی دارند که با آنها نمی‌شنوند. آنان همانند چهارپایان بلکه گمراه‌ترند. [آری،] آنها همان غافل‌ماندگانند. (سوره: الاعراف، آیه: ۱۷۹)

۲۴- المومن فی المسجد کالسمک فی الماء و المنافق فی المسجد کالطیر فی القفس. «مومن در مسجد مانند ماهی در آب است و به محیط خود احساس نیاز می‌کند و منافق در مسجد مثل پرنده در قفس است و از محیط خود در تنگنا و گریزان است». اگرچه مشهور است که این جمله از پیامبر اکرم (ص) است ولی طبق جستجوهای انجام شده سندی برای آن یافته نشده، تنها در دو کتاب از اهل سنت این جمله بدون انتساب به پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) نقل شده و به نظر می‌رسد سخنی از یکی از بزرگان بوده است. (کتاب "کشف الخفاء"، تألیف عجلونی، ج ۲، ص ۲۹۵ و کتاب شرح سنن ترمذی به نام تحفه الاحوذی"، ج ۷، ص ۵۸)

در حدیث دیگری، معصومین (س) می فرمایند « شرف المكان بالمکین».^{۲۵} (بحارالانوار ، علامه مجلسی) یعنی حیثیت و شخصیت و شأن مکانها و فضاها، وابسته به حیثیت و شخصیت و شأن انسان هائی است، که در آن حضور می یابند. بنابراین مکان ها و فضاها معماری نقش وسیله و زمینه مثبت یا منفی را برای مخاطبین فراهم می کنند و بهره برداری معنوی و تکاملی انسانها، در حوزه آگاهی و آزادی آنها قابل وصول است. نکته دیگری که در این مرحله بسیار حائز اهمیت است، دیدگاه اسلامی در مورد (تفسیر متن محور) است و تفسیر به رأی (تفسیر مخاطب محور) را بشدت تقبیح می کند.

در مجموع از منظر اسلامی، تعاملات فرهنگی، از طریق آثار هنری، می تواند عمیق ترین تأثیرات مثبت یا منفی را بر مخاطبین بگذارد و از این جهت هنرمندان و معماران مسئول تأثیرات، آثار خود بر مخاطبین می باشند. (نمودار شماره ۹ - دو بعد (انواع) بودن انسان ها را مبتنی بر مجموع شرایط محیطی و بعد یک (نوع) بودن انسان ها را مبتنی بر روح الهی آنها، در رابطه هنرمندان با آثار هنری و مخاطبین مطرح نموده است.

نمودار شماره ۹- رابطه هنرمند، اثر هنری و مخاطبین از دیدگاه اسلامی که دارای دو بعد کثرت و وحدت هستند



با توجه به مقدمات فوق، یک تعریف نسبتاً جامع و مانع را در مورد رشته معماری به شرح ذیل پیشنهاد می نمایم.

رشته معماری: « باز آفرینی و ساماندهی حکیمانه و عادلانه فضای زیست انسانها است، با عناصر طبیعی و مصنوعی متناسب با نیازهای

مادی آنها و بسترسازی نیازهای روحی و تکاملی آنها».

تشریح و تبیین تعریف فوق و راهبردها و راهکارهای تحقق معماری و شهر سازی اسلامی - ایرانی و روش های تحقیق مناسب برای مباحث میان دانشی را از منظر اسلامی در طرح تحقیقاتی انجام شده برای معاونت شهر سازی وزارت راه و شهر سازی (شهرهای جدید) با عنوان (تحقق پذیری معماری ایرانی - اسلامی، با تأکید بر هویت در شهرهای جدید) توسط اینجانب و همکاران و در کتاب (درآمدی بر هویت اسلامی در معماری و شهر سازی) و کتاب (تعامل ادراکی انسان با فضا در معماری) به عنوان یک نظریه جدید داور و تأیید شده و کتاب های (مبانی نظری معماری)، (رابطه انسان با طبیعت در معماری) و (حکمت اسلامی در هنر و معماری) به صورت مبسوط تر ارائه شده است.

۲۵- علامه مجلسی در کتاب بحارالانوار به این حدیث اشاره کرده اند. اما در جستجوها سندی که اشاره داشته باشد حدیث از کدام ائمه معصوم است نیافتیم.

جمع بندی: نتایج این متن در نمودارهای ارائه شده خلاصه شده است. و در مجموع همانگونه که ملاحظه می شود ، در این رساله (فرایندهای انسانی) در ذیل (فرایند الهی) در کل هستی تبیین و مبتنی بر مکتب اسلام و اصول دین و اصول مذهب تشریح و مورد ارزیابی و نقد قرار گرفته است. با این ساختار و مراحل اسلامی آن می توان کلیه فرایندها و آثار انسانی را در حوزه های مختلف آموزشی ، پژوهشی و اجرایی مورد تجزیه و تحلیل و ارزیابی و سنجش قرار داد.

والسلام علیکم و رحمت الله
مهر ۱۳۹۳ هجری شمسی

منابع و مأخذ مقاله

- متشابه القرآن ، ابن شهر آشوب و مختلفه ۱۳۶۴. ج ۱ ص ۱۹۳
مستدرک الوسائل ، محدث نوری . ج ۱۱. ص ۳۷۲
قرآن . النحل. ۹۰ و ۹۱.
بحار الأنوار ، علامه محمد تقی مجلسی. ج ۲. ۲۴۵
فصلنامه اسراء ، عبد الحسین خسرو پناه. سال سوم - شماره دوم - ص ۳۱.
الكافی: تألیف شیخ کلینی . ج ۱. ص: ۵۸
مجموعه آثار ، شهید مطهری. ۱۳۷۸. جلد ۲۰. ص: ۱۶۱
عوالی اللالی، ج ۴. ص ۱۰۳
نهج البلاغه علی علیه السلام، فیض الاسلام. نهج البلاغه. ۱۳۷۵، ح ۳۰
مستدرک الوسائل ، محدث نوری . ۱۴۰۸ ج ۵. ص ۲۴۴
هزار و یک نکته ، حسن زاده آملی. ج ۱ و ۲. ص: ۸۲۴، ۸۲۵
تعامل ادراکی انسان ، عبدالحمید نقره کار. ص ۴۴
کشف الخفاء ، عجلونی، ج ۲. ص ۲۹۵